

مطلب یکصد و هفتادم _ سجن اعظم

قوله تعالی: " در لوح حاجی میرزا محمد تقی افنان " انا سمینا هذا السجن بالسجن الاعظم ینبغی لكل نفس ان یتفکر فیہ و ما سعی به من لدی العزیز الحکیم ..

..در اول ورود این سجن را بسجن اعظم نامیدند و فرمودند بعد سر این ظاهر خواهد شد قسم بآفتاب افق معانی که بشأنی امر الله در این ارض مرتفع شد که احدی از عهده ذکر علی ما ینبغی بر نخواهد آمد و باب سجن مفتوح مع آنکه در اصل فرمان دولت که عبدالعزیز صادر نموده بود این فقره بوده که احدی را نگذارند نزدیک شود حتی دلاک را هم بجهت حلق رأس و غیره نگذارند بدون ضابطیه ملاقات نماید معذلک باب سجن بشأنی مفتوح شد که اصحاب بهر دیار که اراده مینمودند من غیر سؤال و جواب سفر میکردند و این قدرت کبری و سلطنت عظمی من غیر اسباب ظاهر شد چه که هرگز گمان نمیرفت که آن شدت ها و سختی ها زائل شود نشهد انه لهو المقتدر علی ما یشاء لا اله الا هو القادر العزیز الحکیم عباد غافل در قدرت و قوت الهی تفکر نمینمایند هر حین آیات ظاهر و بینات باهر معذلک بشعور نیامده و سر از نوم غفلت بر نداشته اند"